

## فن آوری ارتباطی، حاکمیت دولتها و تبادل فرهنگها

ناصر پورحسن\*

### چکیده:

روند پیشرفت و توسعه فن آوری ارتباطی چنان شتاب حیرت‌انگیزی دارد که دوران کنونی را "عصر اطلاعات" نام نهاده‌اند. تأثیر فن آوری ارتباطی در حیات اجتماعی به دو شکل قابل بررسی است: یکی، در قبال تبادل فرهنگها و دیگری، در مورد حاکمیت دولتها. توسعه این فن آوری، ارتباط بین‌الملل را فراتر از ارتباط بین‌الدولی قرار داده است و فرهنگها به دور از حاکمیت جنبه‌های سیاسی، امکان تبادل و تعامل یافته‌اند. اما آیا این امر به معنی کاهش حاکمیت دولتهاست؟ این مقاله با بررسی مسأله حاکمیت، معتقد است که تحول در زمینه فن آوری ارتباطات و افزایش تبادل فرهنگها، به معنی کاهش حاکمیت کشورها نیست، لیکن حاکمیت تحت تأثیر عوامل نام‌برده، متحول شده و بار معنایی جدیدی یافته است.

**کلید واژه‌ها:** ارتباط بین‌الدولی، ارتباط بین‌المللی، تبادل فرهنگها، فن آوری

ارتباطی، حاکمیت دولتها، عصر اطلاعات.

## مقدمه

انقلاب ارتباطات به واسطه ایجاد تحولات زیربنایی در ساختار و عملکرد نظام ارتباطی جهان موجب شد، تا بسیاری از مناسبات پیشین دچار تحول شود و ضرورت بازبینی بخش اعظمی از مفاهیم سنتی به وجود آید مانند مفهوم حاکمیت که آثار این انقلاب در آن به خوبی نمایان است.

انقلاب ارتباطات، تنها افزودن یک مجموعه اختراعات در حوزه ارتباطی به جهان نیست؛ بلکه مانند یک قطره مایع رنگی در لیوانی آب است که تمامی حوزه‌های زندگی بشر را، همچون یک لیوان آب (از نظر بو، مزه، رنگ و ...) متحول کرده است. انقلاب ارتباطات در حوزه امور نظامی نیز تحول ایجاد کرده و امنیت ملی و حاکمیت کشورها را در مقایسه با ۳۵۰ سال گذشته تحت تأثیر قرار داده است. اقتصاد، سیاست و اجتماع از جمله حوزه‌های مهمی هستند که به شدت از فن‌آوری‌های نوین ارتباطی تأثیر پذیرفته‌اند. (۱) یکی از حوزه‌هایی که پیوند تنگاتنگ و بیشتری با ارتباطات دارد، فرهنگ است. انقلاب در فن‌آوری‌های ارتباطی، مسائل بسیار مهمی را در حوزه فرهنگ کشورهایی که در نظام بین‌الملل وجود دارند (هم از بعد داخلی و هم خارجی)، مطرح کرده است. آنچه در این مقاله می‌آید، بررسی تأثیر فن‌آوری‌های نوین ارتباطی بر عرصه فرهنگ و حاکمیت واحدهای سیاسی است. برای تشریح این رابطه، ابتدا انقلاب فن‌آوری بررسی و سپس به آثار این ابزار بر فرهنگ و حاکمیت کشورها اشاره می‌شود.

سؤال اصلی این است که فن‌آوری‌های نوین ارتباطی چه تأثیری بر رابطه میان فرهنگ‌ها بر جای می‌گذارد و نتیجه این تأثیر بر حاکمیت دولت‌های ملی چیست؟ پاسخی که به‌طور ابتدایی به این سؤال داده شد، در این فرضیه می‌گنجد که "فن‌آوری‌های نوین ارتباطی به مثابه مجراهایی عمل می‌کنند که دولت‌ها می‌توانند محصولات فرهنگی خود را از طریق آنها مبادله کنند. در جریان این مبادله، دولت‌هایی که با آگاهی از وضعیت جدید، از توانایی بیشتری برای عرضه محصولات فرهنگی برخوردار باشند، از این مجراها به‌عنوان ابزاری در راه تسهیل اعمال حاکمیت خویش در عرصه ملی و بین‌المللی استفاده می‌کنند و برعکس.

## فن‌آوری ارتباطی

پیشرفت اعجاب‌انگیز چند سال اخیر در حوزه فن‌آوری‌های اطلاعاتی و رسانه‌های ارتباطی که با رشد تصاعدی هم‌چنان در حال توسعه می‌باشد، بسیاری از محققین نخله‌های فکری و حوزه‌های معرفتی را برآن داشته است، تا از شکل‌گیری "عصر جدید یا مرحله‌ای نوین در فرایند تمدن بشری یعنی "عصر اطلاعات" سخن به میان آورند. استفاده گسترده و روزافزون از واژه‌هایی نظیر "عصر ارتباطات"، "انقلاب تکنولوژیک"، "جامعه مجازی"، "دهکده جهانی" و از این قبیل، جملگی نشان دهنده تلاش برای تصدیق و نامگذاری چنین تحولی است.

از دیدگاه فن‌آورانه، انقلاب ارتباطات از سه جزء اصلی، متمایز و درعین حال مرتبط به هم تشکیل شده است. نخست، توسعه سریع و قابل اتکای سیستم‌های ارتباطات دوربرد مانند تلفن، فاکس، تله تایپ؛ دوم، تحول سریع و گسترده فن‌آوری ارتباطات سخن پراکنی نظیر: ایستگاههای رادیویی، تلویزیون، ویدئوکاستها، تلویزیون کابلی و ماهواره‌های تلویزیونی؛ سوم، توسعه شیوه‌های شماره‌گیری و محاسبه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها مانند تحولات متوالی سخت افزاری در رایانه‌ها.

یکی از شاخصها و تجلیات بارز و شگفت‌انگیز این هم‌تافتی و ترکیب، شکل‌گیری و ایجاد بزرگراههای اطلاعاتی است. منظور از این بزرگراهها یا ابرشاهراهها، وسایل ارتباطی، اطلاعاتی و فن‌آوری‌هایی است که از طریق آنها هر نوع پیام از قبیل اخبار برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، ویدئو، فیلم و سینما، بازی‌های الکترونیکی تفریحی، صفحات موسیقی و مکالمات معمولی تلفنی، عرضه و تقاضای اجناس و قیمتها در فروشگاهها و بازارها، منابع و مجموعه‌های کتابخانه‌ای، آگهی‌های تجاری، آمار و داده‌های اقتصادی، آموزشی بهداشتی، علمی و انواع طراحی نقشه، تصویر و عکس می‌توانند در آن واحد و در یک خط مستقیم در حرکت باشند. (۲)

ابرشاهراه اطلاعاتی، محصول نزدیکی و اتحاد سه فن‌آوری متفاوت، یعنی صنایع رایانه، نرم‌افزار و برنامه‌نویسی با صنایع فیلم‌سازی، سینما، تلویزیون و صنایع الکترونیک، مخابرات و ارتباطات است. همکاری این سه صنعت در قالب اطلاعات گوناگون صوتی و تصویری از طریق امواج ماهواره و کابلهایی از جنس فیبرنوری (۳) به مصرف‌کننده منتقل می‌شود. فیبرهای نوری به دلیل ظرفیت زیاد، قادرند بالاترین حجم اطلاعات را در کوتاهترین زمان، در فواصل مختلف

مبادله کنند. تمایز ابرشاهراه اطلاعاتی با ابزارهای سنتی انتقال اطلاعات، نظیر رادیو و تلویزیون یا روزنامه و کتاب این است که مصرف‌کننده این مجموعه در برابر اطلاعاتی که از طریق کابل نوری بر روی صفحه تلویزیونی اش ظاهر می‌شود، حالت انفعالی ندارد؛ بلکه می‌تواند، بسته به امکاناتی که نرم‌افزارهای مجموعه برایش فراهم می‌آورند، انواع دخالتها را در نحوه دریافت، تنظیم و استفاده از اطلاعات اعمال کند.

«اینترنت»، یکی از نمودهای مهم و در حال تکوین بزرگراههای اطلاعاتی است. در توصیف اینترنت از مفاهیمی مانند شبکه شبکه‌ها، تار عنکبوت الکترونیک، فضای مجازی، فضای سبیرنتیک استفاده شده است. این شبکه جهانی امکان ارسال و دریافت سریع اطلاعات را فراهم می‌سازد و کامپیوترها به وسیله مودم (۴) و خط تلفن به هم متصل می‌شوند تا جایی که در طی ده ثانیه، شرایط گفت‌وگو بین دو فرد در دو نقطه دنیا پدید می‌آید. (۵)

## حاکمیت

درباره کمتر مفهوم سیاسی به اندازه «حاکمیت» بحث شده و به گفته صاحب‌نظران سیاسی، هیچ اصطلاحی در علوم سیاسی تا این مقدار، موارد استعمال گوناگون نداشته است. با این وصف، بیشتر این مباحث در تنقیح اصل حاکمیت بوده است، تا تلاش جدی در راه درک ماهیت و کارکردهای آن در نظام نوین دولت‌ها. تنوع تعاریف ارائه شده از این اندیشه محوری و سنگ زیربنای دولت‌ها از قرن شانزده میلادی تاکنون، گواهی روشن بر مدعای بالاست.

حاکمیت به معنای «برتری و تفوق»، از ریشه لاتینی «Superanus» گرفته شده است. در ابتدایی‌ترین تعریف که متعلق به «ژان بدن» فرانسوی است به معنای قدرت مطلقه و دائم حکومت یک اجتماع آمده و آن عنصر اساسی است که یک اجتماع سیاسی را از سایر سازمانها و جوامع بشری متمایز می‌کند. (۶) *دایرة المعارف حقوق بین الملل*، حاکمیت را در ارتباط با حقوق بین‌الملل این‌گونه تعریف می‌کند:

«حاکمیت در حقوق بین‌الملل معاصر، بیانگر وضعیت حقوقی یک دولت

در صحنه بین‌المللی است که صلاحیت آن دولت در قلمرو خویش نمی‌تواند از

سوی دیگر دولت‌ها مورد سؤال و مداخله واقع شود.» (۷)

“آر. پی. آناند”، حاکمیت را قدرت عالی یک دولت در قلمرو خود می‌داند که در چارچوب مشخص قواعد الزامی بین‌الملل که جنبه الزامی دارند، قرار دارد. (۸) “مورگنتا” از پدران مکتب رئالیسم در روابط بین‌الملل، حاکمیت را اقتدار یک دولت برای وضع و اجرای قوانین در داخل یک سرزمین برمی‌شمارد که در نتیجه استقلال از اقتدار سایر دولتها و برابر با آنها، تحت لوای حقوق بین‌الملل به وجود می‌آید. (۹)

حاکمیت به معنای مرکز تولید اقتدار و قدرت برتر فرماندهی، سلطه برتر سرزمینی و استقلال خارجی، منبع قدرت قانونی و سیاسی دولت و وضعیت قانونی مستقل یک اجتماع، ساختی سیاسی برای تعریف رابطه فرد با کشور خود، قدرت مافوق قدرت و قدرت عالی (۱۰)، اقتدار عالی تصمیم‌گیری و اجرای آن به وسیله دولت نیز تعریف شده است.

### عناصر تشکیل دهنده حاکمیت

حاکمیت دارای دو عنصر مادی و معنوی است:

۱- **عنصر معنوی حاکمیت:** از نظر معنوی، حاکمیت دو جنبه دارد. یکی آن که دولت در داخل کشور دارای چنان برتری است که همگان از آن اطاعت می‌کنند. دوم آنکه، از نظر بین‌المللی، دولت بتواند استقلال خود را در مقابل دیگران محفوظ نگه دارد.

**الف) حاکمیت داخلی** به معنای اختیار و قدرت وضع و اجرای قانون در سراسر قلمرو دولت می‌باشد. حاکمیت داخلی، قدرت نهایی دادن فرمان و ستاندن اطاعت است و تابع هیچ محدودیت قانونی نیست. برخی از محققین معتقدند که حاکمیت، فقط داخلی است. برای مثال، “گنل” عقیده دارد که:

«اگر به راستی سخن گوئیم، حاکمیت، روابط داخلی دولت با ساکنان قلمرو خویش است. حاکمیت واژه‌ای مربوط به حقوق اساسی است تا واژه‌ای مربوط به حقوق بین‌الملل. حاکمیت مفهومی حقوقی است و فقط با حقوق موضوعه ارتباط دارد. اگر واژه حاکمیت فقط در مورد آن‌چه به‌طور معمول حاکمیت داخلی گفته می‌شود و واژه استقلال بر آن‌چه گاه حاکمیت خارجی نام می‌گیرد، به کار برده شود، به روشن شدن فکر و از بین بردن بسیاری از مجادلات کمک خواهد کرد.» (۱۱)

به‌طور خلاصه، می‌توان حاکمیت داخلی را این چنین جمع‌بندی کرد: زمانی می‌توان گفت کشوری دارای حاکمیت داخلی است که از قدرت عالی برخوردار باشد، تحت مراقبت و نظارت قدرتی بالاتر که آن را محدود کند، نباشد و بتواند بدون دخالت قدرتهای خارجی، امور کشور را اداره کند و سیاستهایش در راستای منافع کشور باشد.

ب) حاکمیت خارجی به مفهوم حق تساوی و استقلال با سایر دول است. (۱۴) در نتیجه همین اصل حاکمیت، مسأله تساوی دولتها در جامعه بین‌المللی پیش آمده است. با وجود عدم تساوی عملی، در پرتو همین حق حاکمیت، دولتها متساوی‌الحقوق شناخته می‌شوند. حاکمیت خارجی دولتها در حقوق کلاسیک، به حقوق اساسی دولتها در جامعه بین‌الدول توجیه می‌شود؛ مقصود از حقوق اساسی دولتها، حقوقی است که به موجب مکتب حقوق طبیعی، به هر اجتماع دولتی تعلق دارد و عبارت از حق وجود، حق استقلال، حق تساوی، حق احترام متقابل و ... است. حق صیانت برای هر دولت مانند هر فرد، عبارت از حق زندگی، حق موجودیت، حق بقا و حق کمال استعدادهای بالقوه آن ملت است. حق استقلال نتیجه مستقیم حق صیانت بوده و مانع از دخالت دول خارجی در اعمال و اقتدار دولتی است. حاکمیت، در حقوق کلاسیک از جهت خارجی همین حق استقلال را معنا می‌دهد که از اصل حق عدم مداخله در امور یک دولت ناشی می‌شود. حق تساوی، نتیجه بلافصل دو حق قبلی است.

۲- عنصر مادی حاکمیت (حکومت): هنگامی که از قدرت دولت و تنظیم و اجرای سیاست داخلی و رفتار یک دولت در صحنه سیاست بین‌الملل سخن به میان می‌آید، این امر نیازمند تشکیلاتی است که از آن به‌عنوان حکومت نام برده می‌شود. به عبارت دیگر، از طریق حکومت است که حاکمیت به اجرا در می‌آید. اگر چه تعاریف متفاوتی برای حکومت در دست هست، ولی به‌طور خلاصه می‌توان حکومت را سازمانی از دولت نامید که به‌طور عادی از قوای مجریه، قضائیه، مقننه و تشکیلات اداری مربوط به آنها تشکیل می‌شود و از طریق این دستگاه است که حاکمیت اعمال می‌شود.

### تاریخچه تبادل فرهنگی

از گذشته‌های بسیار دور، داد و ستد فرهنگی همراه و هم‌زمان با مبادله تجاری انجام می‌گرفته

است. "فینیقی‌ها" حدود دو هزار سال پیش از میلاد مسیح (ع)، در مبادله با مصریان، چوب و الوار به آنها می‌فروختند و گندم و پاپیروس می‌خریدند. از همین طریق بود که ارمغانهایی چون خط و حساب به تمدن بشری عرضه شد. برخورد فرهنگ و تمدنهای ایران و یونان در قرن پنجم قبل از میلاد از طریق رقابتهای تجاری در عرصه دریا و خشکی بود. انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون وسطی به وسیله نمایندگان و سفیران تجاری - سیاسی در شرق و غرب پایه‌ریزی و ارزشهای عصر روشنگری و رنسانس در قلمروهای مختلف علوم و اندیشه نیز از خلال رقابتهای تجاری شکوفا شد. استعمارگران برای ایجاد سلطه سیاسی و اقتصادی ابتدا با اعزام "میسوینرها" زمینه فرهنگی مناسب را در میان اقوام و ملت‌های دوردست فراهم آوردند و سپس قرن‌ها منابع و سرزمینهای آنان را چپاول کردند. از همین طریق، قدرتهای بزرگ تجاری آداب و قواعد بازی را در مناسبات خود با دیگر سرزمینها تدوین کردند. به تدریج قوانین، ارزشها، هنجارها، نهادها و ساختارهای خود را بر عرصه‌های مختلف زندگی و فرهنگ به دیگران القا و تحمیل کردند.

در یک مرور اجمالی به فراگرد تاریخی این مبادلات از قرون قبل تاکنون، به آسانی می‌توان دریافت که مسیر داد و ستد تجاری تابعی از قدرت و خلاقیت علمی و فرهنگی ملت‌ها بوده است. به این معنی که قبل از تحول علمی و فکری رنسانس، کشورهای پیشرفته صنعتی امروزی در قاره اروپا تابع و وامدار دانش و فرهنگ مشرق و مقهور قابلیت‌های علمی آنان در عرصه‌های مختلف ریاضیات، نجوم، فلسفه بوده‌اند. اما زمانی که انقلاب صنعتی، خلاقیت علمی و فنی را وارد عرصه تجارت و سیاست کرد، مسیر و ابزارهای برقراری رابطه فرهنگی نیز تغییر یافت؛ این بار سرزمینهای ماوراء بحار در شرق، میدان رقابت برای دستیابی به بازاری برای صدور مازاد تولید صنعتی شد. تغییر بازار، مستلزم تغییر در فرهنگ و باورهای دیگر ملت‌ها بود و از همین جا مفهوم صدور ارزش مازاد در تولید مبادلات فرهنگی شکل گرفت.

ظهور دولتهای ملی در قالب‌هایی زیر عنوان "دولت - ملت" با عصاره حاکمیت، به فرهنگ معنای روشن‌تری بخشید و هر یک از این واحدهای سیاسی با توجه به سابقه فرهنگی و تاریخی ویژه‌ای که داشتند، مرزهای فرهنگی خود را از دیگر واحدها جدا کردند. نفوذناپذیری مرزها که همان حاکمیت مطلق بود، تفاوت میان "فرهنگ" را در میان واحدهای سیاسی آشکارتر کرد.

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، تبادل فرهنگی به‌صورت محدود و آن‌هم از طریق تجارت که صورتی از رابطه میان واحدهای سیاسی بود، انجام می‌گرفت. ظهور تدریجی وسایل ارتباط جمعی، اندیشه حاکمیت مطلق به‌ویژه در بعد فرهنگی آن را مورد چالش قرار داد و تعاملات میان محیط داخلی نظام سیاسی با محیطهای خارجی آن را بیشتر کرد.

اختراع رسانه‌های نوین ارتباطی، هم‌چنان که سایر ابعاد نظام سیاسی را دستخوش تغییر و تحول کرده، تأثیر به‌سزایی نیز بر روی فرهنگ داشته و همین امر، باعث طرح نظریه‌های گوناگونی در این باره شده است. قاعدتاً، هر نظام سیاسی محصور در چارچوب یک حاکمیت خاص دارای فرهنگی مختص به خود می‌باشد، اگرچه ممکن است با نظامهای سیاسی دیگر نیز همانندی‌هایی در برخی جنبه‌های فرهنگی داشته باشد. آثار ظهور رسانه‌های نوین ارتباطی را می‌توان در دو سطح بررسی کرد: سطح اول، مربوط به تسهیل جهانی شدن و یکپارچه شدن فرهنگها می‌شود و سطح دوم، برخلاف سطح اول که کلان بود، سطحی خرد - میانه است. منظور این است که فن‌آوری‌های ارتباطی، موجب تقویت ویژگی‌های فرهنگ و پاره‌فرهنگها می‌شوند. به‌طورکلی، هر دو سطح مذکور موجب اعمال فشار بر حاکمیت دولتها می‌شود.

### فن‌آوری‌های ارتباطی، تقویت توان پاره‌گروههای فرهنگی و تحدید حاکمیت

"جیمز روزنا" معتقد است که میزان تأثیرگذاری یا مؤثر واقع شدن بازیگران در سیاستهای جهانی منبعث از قابلیت برقراری رابطه آنهاست. (۱۳) برقراری رابطه نیاز به امکانات دارد. هر چه تعداد کانالهای ارتباطی افزونتر باشد، برقراری رابطه آسانتر است. از سوی دیگر، هر چه تعداد کانالهای تماس میان بازیگران افزونتر باشد، تأثیرگذاری محیط عملیاتی داخلی و خارجی در جوامع، متقابلاً بیشتر است.

اعتقاد بر آن هست که ظهور رسانه‌های نوین ارتباطی و سهولت دسترسی به آن برای پاره‌فرهنگها یا گروههای قومی از چندین جهت اهمیت دارد و از همین جهات بر روی حاکمیت دولتها تأثیر می‌گذارند. اولین مسأله این است که سهولت ایجاد رابطه، همراه با سرعت آن و انتقال آگاهی به اعضای هم‌گروه فرهنگی از ویژگی‌های بارز رسانه‌های جدید ارتباطی است. با کمک این وسایل، گروههای فرهنگی به هویت خویش آگاه می‌شوند و می‌توانند - فارغ از اینکه



در کدام کشور قرار دارند - خواسته‌ها و تمایلات خویش را به راحتی به هم‌کیشان خود برسانند. در این مورد وسایل ارتباطی همچون اینترنت و فاکس که به‌طور مستقیم در راه این هدف به کار گرفته می‌شوند، مهم‌ترند. دومین تأثیر فن‌آوری‌های ارتباطی بر پاره‌گروه‌های فرهنگی، نتیجه منطقی تأثیر اول است؛ یعنی این گروه‌ها با توجه به آگاهی‌هایی که توسط همین وسایل پیدا کرده‌اند، هم‌چنان که به راحتی عقاید خویش را برای اعضای گروه و سایرین مطرح می‌کنند، در تمام جنبه‌ها به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند؛ از این‌رو خودآگاهی به‌دست آمده، انتظاراتی را پدید می‌آورد.

بررسی این آثار نیازمند نگاهی اجمالی به وضعیت نظامی، سیاسی و تنوعات فرهنگی - قومی آنهاست. وجود پاره‌گروه‌های فرهنگی، قومی و مذهبی از ویژگی‌های واحدهای سیاسی است. واقعیتها نشان دهنده آن است که اکثر کشورها ناهمگون هستند و چنین دولت‌هایی و شمار زیادی از گروه‌های قومی را شامل می‌شوند.

پژوهش‌های کارشناسان نشان می‌دهد که در سرتاسر دنیا، مرزهای قومی و سیاسی در بیشتر موارد برهم منطبق نیستند. (۱۴) این مشکل در کشورهایی که از تقسیم استعماری پدید آمده‌اند، بیشتر مشهود است. دولتهای جدید با مرزهای اجباری که استعمارگران علامت‌گذاری کرده بودند، مشخص شده‌اند. در این تفکیک اجباری عوامل فیزیکی مصنوعی مانند سیم خاردار، میله درصدد جدایی گروه‌های قومی و فرهنگی برآمده و سعی کرده‌اند که کانون وفاداری افراد این گروه‌ها را از قوم و قبیله به مرکز جدیدی به نام دولت منتقل کنند. الگوهای وفاداری در این مناطق از جهان بیشتر از آن که وابسته به این مرزها باشد، به اقتدار قبیله‌ای پیشین و الگوهای قومی و خویشاوندی تعلق دارد. دول توسعه یافته، با کمک وسایل ارتباط جمعی (مانند رادیو، تلویزیون) طی روندی به نام "ملت‌سازی"<sup>۱</sup> در جهت همگن‌سازی کوشیده‌اند. البته در این کشورها، هنوز گروه‌هایی وجود دارند که با وجود تلاش فراوان حکومتها، هنوز در نظام فرهنگی و سیاسی حاکم هضم نشده‌اند و ظهور وسایل جدید ارتباطی، موجب فعال‌شدن شکاف سنتی آنها با دولتهایشان شده است.

ظهور فن آوری‌های نوین ارتباطی، رقابت کانونهای وفاداری برای جلب مردم عادی را به‌طور همزمان باعث شده است. گروهها و نهادهای متعدد داخلی و خارجی عملاً در این فرایند شرکت دارند. این رسانه‌ها، نفوذناپذیری میان عرصه‌های سیاسی و بین‌الدولی و درون دولتی را که در سنت کلاسیک وجود داشت، از بین برده‌اند. برای فهم بهتر موضوع، به بعضی از آثاری که در این زمینه وجود دارد، رجوع می‌کنیم. "اوکانر" در مقاله مهمی که در سال ۱۹۷۲ چاپ شد، نشان داد که از میان ۱۳۲ دولت ملی مورد پژوهش وی، تنها ۱۲ دولت ملی (یعنی ۹/۱٪ از آنها) را می‌شد، از نظر ملی همگن خواند؛ بیست و پنج دولت ملی دیگر (۸/۹٪) گروه قومی بزرگ و فراگیری در خود داشتند، که بیش از ۹۰٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌داد. اوکانر دریافت که در ۲۵ دولت ملی دیگر، گروه قومی اکثریت، ۷۵ تا ۸۹ درصد جمعیت کشور را در برمی‌گرفت؛ اما در ۳۱ دولت (۲۳/۵٪ از نمونه آماری او) این گروه قومی، تنها نماینده (۵۰ تا ۷۴٪) جمعیت کشور بود. سرانجام در ۳۹ کشور (۲۹/۵٪) پرجمعیت‌ترین گروه قومی، حتی کمتر از ۵۰ درصد کل جمعیت کشور را تشکیل می‌داد. او هم چنین دریافت که در شمار زیادی از دولتهای ملی عصر حاضر، چندین گروه قومی (به حالت جنگ یا صلح) در کنار هم به سر می‌برند و در برخی موارد، در داخل مرزهای کشور صدها گروه قومی گوناگون وجود داشت؛ درحالی‌که از این ۱۳۲ کشور در ۵۳ مورد جمعیت کشور دست کم از پنج گروه قومی متمایز و مهم، تشکیل شده بود. (۱۵)

آمار فوق مربوط به سه دهه قبل است. امروزه، بیش از ۶۰ واحد سیاسی به تعداد کشورهایایی که اوکانر بررسی کرده بود، اضافه شده است که بیشتر آنان گروههایی با فرهنگ و قومیت خاص را تشکیل می‌دهند و واحدهای سیاسی مکانیکی هستند که قبلاً چندین گروه فرهنگی و قومی را در قالب یک مکان به نام کشور جای داده بودند. بازتاب رشد گروههای پاره ملی و قومی، در ستیزه‌های متعدد و آشوبهای سیاسی و حتی جنگهای داخلی قابل بررسی است. در این میان "از سال ۹۲-۱۹۸۹ نزدیک به ۸۲ مورد درگیری مسلحانه در جهان روی داده است" که اکثر این ستیزه‌ها، ریشه در اختلافات قومی، مذهبی و فرهنگی داشته‌اند. (۱۶)

"الوین تافلر" معتقد است که برخی از علل تنشهای ناشی از ظهور گروه‌بندی‌های فوق، از بحران انرژی و نیاز به انتقال از یک بنیاد انرژی موج دوم به بنیاد انرژی موج سوم ناشی می‌شود. تنشهای دیگر را می‌توان به تعارضات بر سر انتقال از بنیاد صنعتی موج دوم به بنیاد صنعتی موج

سوم نسبت داد. هم‌چنین در بسیاری از موارد شاهد رشد اقتصادی پاره ملی یا ناحیه‌ای هستیم که در شرایط کنونی به همان اندازه بزرگ و پیچیده و از نظر ساختار درونی از اقتصادهای ملی در نسل گذشته متنوع‌تر است. اینها زمینه‌های اقتصادی مناسب برای رشد نهضت‌های جدایی‌خواه یا نیروهای محرکه‌گرایش به خود مختاری را تشکیل می‌دهند. (۱۷)

در هر حال، پراکندگی و گسترش قوم‌گرایی و گرایش به پاره‌فرهنگها و یسا به‌طورکلی محلی‌گرایی ناشی از دو خصلت فن‌آوری‌های ارتباطی، یعنی آگاهی بخشی و انبوه‌زدایی است. ویژگی آگاه‌کننده ارتباطات مبنای تجلی‌گرایشهای فرهنگی، قومی و غیره است؛ درحالی‌که انبوه‌زدایی، عامل شتاب‌دهنده و تقویت‌کننده می‌باشد، تنوع و گسترش فن‌آوری‌های ارتباطی موجب می‌شود تا گروه‌های فرهنگی از انزوا خارج شوند و با استفاده از تسهیلات ارتباطی، خواسته‌های خود را به گوش دیگران برسانند. "زاپاتیست‌ها" در مکزیک بهترین مثال در این مورد به شمار می‌روند. (۱۸) در گرماگرم درگیری چریک‌های زاپاتیست با نیروهای دولتی مکزیک، گزارش‌های درگیری به شبکه اینترنت راه یافت و خیلی زود در شبکه، مکان ثابتی پیدا کرد. یعنی ارتش زاپاتیست‌ها، صاحب یک وسیله ارتباطی بی‌حد و مرز بین‌المللی شدند و امکان پخش صدا و تصویر آنان به گونه‌ای هم‌زمان در سطح دنیا فراهم آمد. قیام زاپاتیست‌ها، اولین "سیرقیام" یا اولین "جنگ اینترنتی" بود. اگر جنگ‌جویان زاپاتیست توسط دولت سرکوب شدند، اما به پیروزی نیز دست یافتند و آن این بود که مشکلشان را به گوش جهانیان یا، همه رساندند. (۱۹)

ارتباطات نه تنها به آن‌گونه که فکر می‌شد، محو شدن بارزهای هویتی پاره‌فرهنگها را در پی نداشت و بلکه درست برعکس، تفاوتها را عیان کرد و مقایسه‌ها به منبعی از ناکامی‌های ناخوشایند تبدیل شد. این ناکامی‌های ناخوشایند، چنان‌چه از نظریه‌های خُرد در باب منازعات خشونت‌آمیز پیداست، می‌تواند عاملی برای گرایش به خشونت یا پرخاشگری باشد. افزون برآن، مسأله درگیری‌های قومی و فرهنگی، زمانی که در دستور کار نظام بین‌الملل قرار گیرد، تحت عناوینی چون، صلح‌سازی، موجب اختلال در حاکمیت کشورها می‌شود. یکی از مصادیق این اختلال تجزیه یک کشور و یا سقوط دولت به‌ویژه دولتهای فقیر است که خود منجر به منازعاتی می‌شود و از طرفی دیگر، این نیروها باعث محرومیت ساکنین یک سرزمین از وجود حکومتی می‌شوند که از آنها در مقابل هرج و مرج حمایت کند. (۲۰) در این‌جا دوباره نقش

رسانه‌های نوین ارتباطی آشکار می‌شود و عمده‌ترین عامل مطرح شدن یک منازعه، به‌عنوان یک دستور کار در جامعه بین‌المللی، تبلیغات و توجه این رسانه‌ها است.

عنصر ذاتی یا جوهری فن‌آوری‌های ارتباطی، دانایی یا مطلع شدن است. دانایی در کنار قابلیت برقراری رابطه و مبادله اطلاعات، زمینه برخورد پاره‌فرهنگها را با دولتهای ملی به‌وجود می‌آورد. «مارسل مدل» معتقد است که دهکده جهانی مک لوهان افسانه‌ای بیش نیست. نکته اساسی این است که ارتباط بسیار نزدیک و مستمر جوامع با یکدیگر نه تنها آن‌طوری که فکر می‌شد، نزدیکی و تفاهم متقابل را افزایش نداد، بلکه درست برعکس، عیان شدن تفاوتها را در پی آورد و مقایسه‌ها به منبعی از ناکامی‌های ناخوشایند تبدیل شد. (۲۱)

نتیجه‌گیری کلی این است که رسانه‌های نوین ارتباطی، در سطح خرد - میانه، موجب افزایش آگاهی‌های فرهنگی پاره‌گروه‌ها می‌شوند و آنها را به جوامع مجازی در دل کشورهای متبوع خود تبدیل می‌کنند. این مسأله موجب فشار بر حاکمیت دولتها می‌شود.

### جهانی‌شدن فرهنگها؛ تبادل یا تهاجم فرهنگی

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، فن‌آوری‌های جدید ارتباطی از دو جهت حاکمیت کشورها را در تنگنا قرار داده‌اند که یکی از آنها، جهانی‌شدن است. جهانی‌شدن در عرصه فرهنگ، فرصتها و محدودیتهایی برای کشورها ایجاد کرده است و کشورهایی که توانایی استفاده از این فرصتها را داشته باشند، می‌توانند همین ابزارهای جدید ارتباطی را به‌عنوان عاملی برای متحول کردن حاکمیت خویش و محدود کردن سایر حاکمیتها به کار برند.

### امپریالیسم فرهنگی

تبادل فرهنگی میان واحدهای سیاسی، طبیعی است و هیچ ملتی از آموختن بی‌نیاز نیست؛ ملتها در رفت و آمدهایشان با یکدیگر، آداب زندگی، خلیقات، علم، نحوه لباس پوشیدن، آداب معاشرت، زبان، معارف دینی و بسیاری رفتارها را از هم فراگرفته‌اند. اما همیشه طرفین به تساوی از تبادل بهره‌مند نشده‌اند و طرف قدرتمندتر - در هر مقطع زمانی عامل قدرت تغییر می‌یابد - برطرف دیگر برتری داشته و کوشیده است تا طرف دیگر، از الگوهای فرهنگی وی در تمام زمینه‌ها پیروی کند.

از مفاهیم رایج در سالهای اخیر، باید به "جهانی‌شدن فرهنگ" اشاره کرد. در واقع این مسأله، با توجه به ظهور وسایل جدید ارتباطی مطرح شده است. موضوع قابل طرح در این زمینه این است که در فرهنگ جهانی، متصدیان فرهنگهای مشخص برآنند که بر سایر فرهنگها تسلط یابند. این تسلط فرهنگی را می‌توان در قالب عناصر فرهنگی، یعنی تسلط تکنولوژیک و تسلط فرهنگی بررسی کرد.

### تسلط فرهنگی

"امپریالیسم فرهنگی" یا "امپریالیسم الکترونیکی" از اصطلاحات رایجی است که امروزه مورد استفاده فراوان قرار می‌گیرد. به زعم عده‌ای، امپریالیسم به‌عنوان بالاترین مرحله سرمایه‌داری پس از فروپاشی دیوار برلین و اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی طی سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ در آخرین دهه قرن بیستم، وارد مرحله جدیدی شده است که امروزه از آن با عناوینی چون "سرمایه‌داری اطلاعاتی" یا "امپریالیسم الکترونیک" یاد می‌شود. (۲۲)

### مبانی نظری امپریالیسم فرهنگی و ارتباطی

ظهور امپریالیسم جدید، برخلاف امپریالیسم قدیم که از نیمه دوم قرن پانزدهم میلادی آغاز شد و تا ۱۸۷۰ میلادی ادامه داشت همراه با تجاوزی همه‌جانبه به تمامی شوئون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشورهای عقب مانده بود.

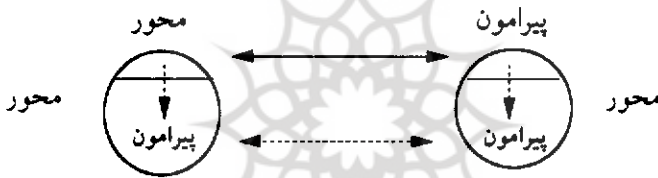
در مورد علل ظهور امپریالیسم جدید، دیدگاههای مختلف سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناختی مطرح شده است. "یوهان گالتونگ" سوئدی در یک نظریه، بحث ساختار قدرت امپریالیستی را مطرح کرده و در آن توضیح داده است که چگونه بعد از خروج قدرت استعمارگر، استعمار ادامه می‌یابد. در زیر به این نظریه اشاره می‌شود:

فرض اول نظریه گالتونگ می‌گوید: امپریالیسم رابطه‌ای است میان محور و پیرامون، که این محور و پیرامون، خود به دو قسمت محور و پیرامون تقسیم می‌شود.

فرض دوم امپریالیسم را به پنج شاخه تقسیم می‌کند: فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و ارتباطی. امپریالیسم ارتباطی در این معنا، به تسلط محور در مواردی مانند اخبار، اطلاعات و

ابزار ارتباطی اشاره دارد و امپریالیسم فرهنگی به امر آموزش و سلطه فرهنگی مربوط می‌شود. امپریالیسم فرهنگی بیشترین اثر را در انطباق شرایط داخلی محور با پیرامون برجای می‌گذارد. این پنج شاخه به هم مرتبطند و در موازات یکدیگر قرار دارند. امپریالیسم ممکن است، از یک یا چند طریق وارد شود، گسترش یابد و در نهایت تمام بخشهای پنج‌گانه را تحت کنترل درآورد.

با توجه به نظام حاکم فعلی بر جهان و براساس وسایل جدید ارتباطی، امپریالیسم ارتباطی و فرهنگی، تأثیرگذارتر از سه شاخه دیگر است، هر چند که شاخه‌های دیگر به‌ویژه شاخه اقتصادی، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده‌اند. به طور خلاصه می‌توان نظریه گالتونگ را به شکل زیر ترسیم کرد:



همچنان که گالتونگ متذکر شد، بازیگران در فرآیند امپریالیسم آن چنان با اهمیت نیستند و جریان امپریالیستی مکان و شیوه آن که دائماً در حال تغییر است و اولویت تحلیلی بیشتری دارد. (۲۳) براین اساس، آخرین سالهای قرن بیستم به یمن ظهور رسانه‌های ارتباطی، متحول و دو زمینه امپریالیسم، ارتباطی و فرهنگی، نیرومندتر شده است. البته در این مقاله دو شاخه امپریالیستی با هم ترکیب می‌شوند و مشترکاً مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ به این دلیل که هر دو به یک نتیجه دست می‌یابند.

برای دستیابی به یک نتیجه منطقی، در این قسمت محصولات فرهنگی و انواع وسائل ارتباطی را که این محصولات از مجاری آنها عبور می‌کنند، دسته‌بندی و هر یک را جداگانه بررسی می‌کنیم. اگرچه جداکردن این دو از هم، تقریباً ناممکن می‌نماید.

## وابستگی خبری

چهار خبرگزاری عمده غربی یعنی آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویتر و آژانس خبری فرانسه برگزارشهای خبری جهان تسلط دارند. دامنه عملیات جهانی آنها تقریباً یک وضعیت انحصاری در پخش اخبار در سطح بین‌المللی به آنها می‌دهد.

مردم دنیا، حدود ۸۰ درصد از گزارشها را از طریق نیویورک، پاریس و لندن دریافت می‌کنند. آمار قدیمی که در تبادل اخبار، میان کشورهای دیگر و صاحبان این غولهای اطلاعاتی وجود دارد، اگرچه مربوط به قبل از پیدایش رسانه‌های نوین بوده است، اما اختلافات فاحشی را نشان می‌دهد. مثلاً خبرگزاری یونایتدپرس در ماه حدود ۱۵۰ موضوع خبری را به صورت فیلم، از غرب به آسیا می‌فرستاد؛ درحالی‌که درمقابل، به‌طور متوسط حدود ۲۰ فیلم از نقاط مختلف آسیا و ۱۰ فیلم از ژاپن به مغرب زمین ارسال می‌شد. در آمریکای لاتین نیز وضع به همین منوال است. (۲۴)

در ونزوئلا نیز درمقابل هر ۱۰۰ مورد خبری که از آمریکا دریافت می‌شود، ۷ مورد خبری به این کشور ارسال می‌شود. یکی از دست‌اندرکاران رسانه‌های غربی در مورد جریان اخبار جهانی می‌گوید:

«انحصار کشورهای غربی در زمینه توزیع اخبار به حدی است که حتی گزارشهای نوشته شده درباره یک کشور جهان سوم برای توزیع در نقطه‌های دیگری از جهان توسط آژانسهای خبری بین‌المللی که در نیویورک، لندن و پاریس متمرکزند، ارسال می‌شود که این خود سلطه فرهنگی و استعمار جدید می‌افزاید.» (۲۵)

درواقع، در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته، تنها راه آگاهی از اخبار کشورهای مجاور و حتی اخبار مربوط به امور داخلی کشور متبوع با استفاده از منابع خبررسانی غولهای خبری مانند سی.ان.ان، بی.بی.سی و فرانس پرس امکان‌پذیر است.

واقع‌نگری و تحریف اخبار، دو مسأله مهمی هستند که در این جریان مبادله اخبار باید مورد توجه قرار بگیرند. بعضی از منتقدین معتقدند که بی‌طرفی و واقع‌نگری حقیقی در گزارشهای خبری غربی غیر ممکن است. زیرا، وجود روابط خبرنگاران با گروههای ذی‌نفع، نهایتاً تعیین‌کننده مطالبی است که باید مخابره شود. یکی از علل وجود تحریف این است که اکثر خبرنگاران، میزان محدودی از زمان پخش را در اختیار دارند، لذا به منظور پرکردن محل خالی

اخبار، مجریان باید خطر از دست دادن خوانندگان و یا بینندگان را که موجب بقا و یا عدم بقای آنان هستند، بپذیرند.

این اقدام یا به حذف قسمتی از اخبار خارجی منجر و یا به ساده کردن بیش از حد رویدادها منتهی می‌شود. در نتیجه، اطلاعاتی را دربرمی‌گیرد که مسائل کشورهای جهان سوم را به‌طور کافی نمی‌پوشاند.

دامنه تحریف اخبار بسیار گسترده است و علاوه بر رادیو، امروزه به‌واسطه ماهواره، در صفحات تلویزیون نیز رایج شده است. البته، این به آن معنی نیست که تمام اخباری که از رسانه‌های غربی پخش می‌شود، همگی غیر واقعی و تحریف شده هستند؛ بلکه باید اذعان داشت که آنها قدرت چنین کاری را دارند و براساس اهداف خویش از آن استفاده می‌کنند.

در نهایت، عدم تعادل در جریان انتقال اخبار، مانع از جریان اطلاعات به‌طور آزاد می‌شود و در این رابطه، جریان یک طرفه اطلاعات عبارت است از: انعکاس تسلط ساختار سیاسی و اقتصادی جهان که به تقویت و تحکیم وابستگی کشورهای فقیر به ثروتمند می‌انجامد. به‌رحال، ارتباطات با توجه به فن‌آوری‌های جدید، صنعت منحصر به فردی است که بر چارچوب محیطی زندگی افراد اثر روانی و اجتماعی خواهد داشت. در نهایت، نتیجه‌گیری می‌شود که عدم تعادل کمی، به عدم تعادل کیفی تبدیل می‌شود و شرایطی را به‌وجود می‌آورد که روی ذهن انسان اثر می‌گذارد؛ این‌گونه است که به سلطه فرهنگی می‌انجامد.

### محصولات فرهنگی

علاوه بر اخبار، جریان بین‌المللی گردش کتاب‌ها، مجلات، فیلمهای تلویزیونی و سایر محصولات فرهنگی نیز جایگاه مهمی را در تبادل و تسلط فرهنگی، میان واحدهای سیاسی به خود اختصاص داده است. در این گردش نیز تعادلی وجود ندارد؛ محصولات عمده فرهنگی، به‌صورت جریان یک طرفه، در بازار محصولات فرهنگی عرضه می‌شوند. برای مقایسه شدت جریان یک طرفه محصولات فرهنگی به سه آمار در سه مقطع زمانی نگاه می‌کنیم: یکی از این آمارها مربوط به دهه ۱۹۸۰ میلادی و دیگری مربوط به سال ۹۵-۱۹۹۴ و سومی مربوط به سال ۲۰۰۰ است.



الف: آمار محصولات فرهنگی دنیا در دهه ۸۰

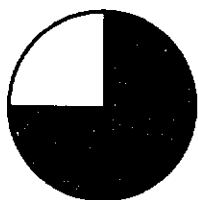
صادرات از کشورهای کمتر توسعه یافته			صادرات از کشورهای توسعه یافته			محصولات
۱۹۸۰	۱۹۷۲	۱۹۷۱	۱۹۸۰	۱۹۷۵	۱۹۷۱	
۴/۵	۹/۲	۵/۲	۹۵/۹	۹۰/۸	۹۴/۸	نشریات
۴/۹	۹/۱	۷	۹۵/۱	۹۰/۹	۹۳	کتاب‌ها
۱۴/۴	۴/۷	۵/۱	۸۵/۶	۹۵/۳	۹۴/۸	گیرنده تلویزیونی
۳۱/۹	۲۰/۲	۱۲/۷	۶۸/۱	۷۹/۸	۸۷/۳	گیرنده رادیویی
۶/۸	۷/۲	۱/۲	۹۳/۲	۹۲/۸	۹۸/۸	دستگاه ضبط صوت
۱/۴	۲	۱/۳	۹۸/۶	۹۸	۹۸/۷	فیلم و وسایل عکاسی
۱۲/۶	۲۱/۶	۲۰/۴	۸۷/۳	۷۸/۴	۷۹/۶	فیلم سینمایی
۱/۵	۲/۸	۲/۲	۹۷/۹	۹۷/۲	۹۷/۸	وسایل و تجهیزات پردازش انوماتیک

Source:

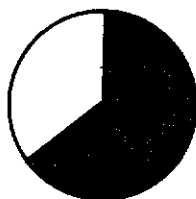
-United Nations Year Book International Trade Statistics 1980,

Vol.2, New York, United Nations, 1981.

ب: آمار صادرات فرهنگی آمریکا



سهام آمریکا در صدور نرم افزار  
در سال ۱۹۹۴ در دنیا



سهام آمریکا در صدور موزیک  
در سال ۱۹۹۶ در دنیا



سهام آمریکا در صدور کتاب  
در سال ۱۹۹۵ در دنیا

Source:

- David Rothkopf, " In Prise of Cultural Imprialism", *Foreign Policy*, No.107, Summer 1997, P. 43.

ج: آمار انتشار کتاب در سال ۲۰۰۰

با گذشت زمان، فاصله میان صادرات محصولات فرهنگی بیشتر می شود؛ به طوری که در سال ۲۰۰۰، آمریکا به تنهایی ۶۲ درصد تمام کتاب های دنیا را چاپ می کند. مقام دوم را انگلستان با ۶ درصد تصاحب کرده است. سهم مجموعه کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا، کانادا، ژاپن و استرالیا ۱۰ تا ۱۲ درصد است و حدود ۲۰ درصد باقی مانده در میان سایر کشورهای دنیا پخش می شود. (۲۶)

مقایسه این سه آمار نشانگر آن است که صدور محصولات فرهنگی به موازات پیشرفت فن آوری در عرصه ارتباطات، به سود دسته خاصی از کشورها پیش می رود. اثر این روند در آن جاست که جهانی شدن فرهنگ را باید در هماهنگ شدن بقیه فرهنگها با فرهنگی خاص مساوی دانست، و این به معنای بالا بودن توان تنظیمی بین المللی بعضی واحدهای سیاسی است که در این زمینه از قدرت بیشتری برخوردارند.

امروزه، آمریکا با توجه به این پشتوانه است که قوانین و فرهنگ داخلی خود را معیار رفتار بین‌المللی قرار می‌دهد. (۲۷) پخش تصویر از طریق صفحه تلویزیون با حمایت قدرت ماهواره، امروزه بیشترین بحث را در مورد فرهنگ به وجود آورده است. به‌طور سنتی اکثر کشورها بنا به علت مادی و علت‌های دیگری که پیشتر ذکر شد، خریدار فیلمها و برنامه‌های تلویزیونی از کشورهای غربی هستند. یک کارگردان تلویزیونی در یک کشور توسعه نیافته به‌منظور کاهش هزینه‌های تولید، ترجیح می‌دهد که بیشتر به برنامه‌های وارداتی تکیه داشته باشد تا تولیدات داخلی. در نتیجه، برنامه‌های تلویزیونی و فیلمهای غربی به کشورهای در حال رشد سرازیر می‌شوند.

ورود این نوع واردات فرهنگی، طبیعتاً انقلاب افزایش انتظارات را در بینندگان ایجاد می‌کند؛ این امر موجب درخواست وسایل فنی ارتباطات به‌ویژه تلویزیون می‌شود. وجود تلویزیون با توجه به زمینه پیش آمده، در بیننده انتظارات بالاتری در عرصه فیلم و فیلم‌سازی پدید می‌آورد. این دور تکرار می‌شود و هم‌چنان چرخه وابستگی را تشدید می‌کند.

تحقیقاتی که توسط آمریکاییان انجام شده است، دلالت بر آن دارد که به‌طور خاص برنامه‌های تلویزیونی، ابزاری بسیار نیرومند به منظور انتقال مجموعه‌ای از ارزشهای دارای بار فرهنگی به بینندگان است. (۲۸)

تبلیغات به‌عنوان عنصر جدایی‌ناپذیر انواع برنامه‌های تلویزیونی، تأثیری بسیار جدی بر فرهنگ دارد؛ زیرا یک الگوی فرهنگی خاص را تبلیغ می‌کند و در نهایت، در جامعه تقاضا برای آن نوع فرهنگ را پدید می‌آورد. در واقع این امر را می‌توان در قالب تقاضای محیط خارجی به درون سیستم، به‌واسطه همین رسانه‌ها دانست. "جرج کینان" آمریکایی در این باره می‌نویسد:

**«پدیده تبلیغات آمریکاییان موجب شده که در تمامی قسرايند ارتباطات**

**عمومی، امکان تسلط و استثمار به وجود آید.» (۲۹)**

بحث تسلط فرهنگی قبلاً از طریق خرید فیلم و برنامه‌های تلویزیونی به‌طور غیرمستقیم یا با واسطه بر فرهنگ تأثیر می‌گذاشت و دولتهای حاکمه در زمینه انتخاب نوع فیلم و سانسور قسمتهای مختلف آن آزادتر بودند؛ اما امروزه، پخش برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره این دو ساز و کار کنترل دولتها را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است؛ به‌طوری که برنامه‌های

ماهوره‌ها به‌طور مستقیم به درون خانه‌ها راه می‌یابند؛ هر چند بعضی از کشورها محدودیتهایی در این زمینه، از قبیل تحدید به‌کارگیری آنتن‌های ماهواره‌ای انجام داده‌اند؛ اما شدت پیدایش فن‌آوری‌های جدید و افزایش قدرت ماهواره‌ها این توانایی دولت‌ها را با محدودیت مواجه کرده است.

از دیگر شاخصهای تسلط فرهنگی، زبان مورد استفاده ارتباطات فرهنگی است. اگرچه امروزه کشورهایمانند فرانسه و آلمان سعی می‌کنند، زبان خود را در مبادلات فرهنگی جهانی گسترش دهند، اما کماکان انگلیسی زبان غالب در محصولات فرهنگی است. امروزه  $\frac{3}{4}$  مطالبی که در دنیا فاکس می‌شود و ۸۰ درصد پست تصویری که توسط اینترنت رد و بدل می‌شود به زبان انگلیسی است. براین اساس، گفته می‌شود که هم اکنون یک و نیم میلیارد نفر، یعنی  $\frac{1}{4}$  جمعیت دنیا به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند. از این تعداد، ۴۰۰ میلیون نفر آمریکایی و انگلیسی هستند که زبان اول آنها انگلیسی است و در بقیه افراد، انگلیسی، زبان دوم آنهاست و  $\frac{1}{1}$  میلیون نفر نیز انگلیسی، زبان تخصصی آنهاست. (۳۰) طبیعتاً این شاخص نیز ابزاری برای تسهیل حاکمیت یک دسته از کشورها و ایجاد مانع برای اعمال حاکمیت دسته دیگری از کشورها می‌شود.

### تسلط تکنولوژیک

فن‌آوری به‌طور عام ابعادی از زندگی انسانی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد و که حاصل ابزارها، فنون و سخت‌افزاری است که جامعه را در ارتقای زندگی یاری می‌دهد. "برنامه توسعه سازمان ملل متحد" برآورد کرده است که ۹۷ درصد از تحقیقات مربوط به فن‌آوری در کشورهای پیشرفته صنعتی انجام می‌شود و توانایی مالی آنها اجازه سرمایه‌گذاری برای تحقیقات پایه را می‌دهد. (۳۱)

فن‌آوری اطلاعات، سرمایه‌بر است و تنها چند کشور مانند آمریکا، آلمان، ژاپن، ایتالیا، فرانسه و انگلیس سازنده اصلی تجهیزات تخصصی و فن‌آوری عرضه اطلاعات و ارتباطات جدید هستند. برخی از کشورهای در حال توسعه، از قبیل کشورهای آسیای جنوب شرقی، مکزیک، هندوستان و الجزایر کوشیده‌اند، در این راه گامهایی بردارند. بعضی از آنها به

موقعیتهایی هم دست یافته‌اند؛ اما این امر قابل مقایسه با کشورهای اصلی نیست. برای نمونه، از ۶۰ کشوری که از فن‌آوری ترانزیستور برخوردارند، فقط چند کشور می‌توانند چیپ سیلیکال تولید کنند تا ترانزیستورها را نیز مانند لامپ خلاء از دور خارج کنند. کشورهای بزرگتر تولید کننده در حال توسعه، توانایی استاندارد کردن محصول خود را ندارند و کشورهای کوچکتر در حال توسعه با وضع نامساعدتری رو به رو هستند. (۳۲)

با پیدایش وسایل ارتباطی نوین، میزان اندکی از اطلاعات فنی به کشورهای در حال توسعه داده شده است. این معضل زمانی زیادتر می‌شود که به "سرعت اختراع" در این زمینه توجه شود. کشورهای در حال توسعه با توجه به قدرت ضعیف و نوآوری آنها، اگر به پیشرفتی هم در این زمینه نایل شوند، دوباره با توجه به سرعت زیاد اختراع در کشورهای پیشرفته، هم‌چنان وابستگی شدیدی در این زمینه خواهند داشت. در هر حال، رسانه‌ها، محمل اساسی فرهنگ هستند و امروزه رسانه‌هایی از قبیل ماهواره‌ها، خبرگزاری‌ها و تکنولوژی‌های ساخت کامپیوتر، به‌عنوان یک وسیله ارتباطی در اختیار شمار اندکی از کشورها قرار دارد. و از آن‌جا که قدرت یا ضعف فرهنگها بیشتر از آن‌چه که موقوف به قدرت و ضعف ارزشهای سازنده آن باشد، تابع نیروی وسایل ارتباطی اشاعه دهنده آنها است؛ بنابراین فرهنگهای واجد نظام ارزشهای بسیار گسترده و والا ممکن است در تماس با فرهنگهای دیگر که وسایل ارتباط و اشاعه نیرومندی در اختیار دارند، مضمحل شوند. توانمندی مالی شماری از کشورها و چیرگی بر وسایل و امکانات اطلاع‌رسانی باعث انحصاری کردن اطلاع‌رسانی شده است و در نتیجه جریان اطلاعات، جریانی یک سویه شده دارد. این وضع، امکان هرگونه دسیسه و توطئه اطلاعاتی برای گمراه کردن و سوء استفاده از افکار عمومی را به کشورهای توانمند می‌دهد. درنهایت، مجموعه رسانه‌های نوین ارتباطی یا همان زیرساخت اطلاعاتی - ارتباطی در جهان، امروزه در اختیار کشورهایی خاص قرار دارد. اگرچه مصنوعات چند در این زمینه به سایر کشورها داده می‌شود و یا آنان توانایی ساخت آنها را به‌صورت مونتاژ به دست آورده‌اند، اما همین تسلط فن‌آورانه همانند زیرساختهای تلگرافی و راه‌آهن در قرن نوزدهم میلادی و بزرگراههای حمل‌ونقل و خطوط هوایمایی در قرن بیستم، توازن قدرت فرهنگی را برهم زده، امکانات و فرصتهای چشمگیری برای دسته‌ای از کشورها فراهم آورده است.

### فن‌آوری ارتباطی و ارزشهای فراملی

یکی از نتایج بسیار مهم پیشرفت فن‌آوری‌های ارتباطی، طرح مقوله جهانی شدن در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. سهولت اطلاع‌رسانی به مدد ابزارهای جدید ارتباطی موجب پدیدار شدن یک نوع خودآگاهی شده است. برخی از مسائل نظیر: برابری، دموکراسی، جامعه مدنی، حفظ محیط زیست و گسترش حقوق و آزادی‌های مدنی و فردیت به صورت ارزشهای مشترک در فرهنگ جهان تبدیل شده است. از این رو عده‌ای، اصطلاحات فرهنگ مدنی جهانی و جامعه مدنی جهانی را به کار می‌برند. در این وضعیت کارگزارانی متولد شده‌اند که از مرزهای ملی و حاکمیت کشورها به سادگی عبور می‌کنند. سازمانهای غیر حکومتی بین‌المللی<sup>۱</sup> از مظاهر اصلی وضعیت جدید هستند. نقش اصلی این سازمانها، گردآوری اطلاعاتی است که بتوان به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای اعمال نفوذ در جهت رعایت حقوق بشر، آزادی‌های مدنی و ارزشهای مشترک بشری از جانب دولتهای ملی به کار برد. برخی از این سازمانها مستقیماً در امر ترویج و پیشبرد دموکراسی درگیرند و شماری از آنها نیز در نظارت بر صحت انتخابات و برخی دیگر به طور غیرمستقیم در امر پیشبرد دموکراسی فعالیت دارند و به اموری چون رفع تبعیض از زنان و محیط زیست علاقه‌مندند. این‌گونه سازمانهای غیردولتی از طرق گوناگونی چون انتشار گزارشها و بیانیه‌های عمومی به فعالیتهای تبلیغی، تأمین کمکهای حقوقی و انسان دوستانه، حاکمیت آن دسته از کشورهایی را که معیارهای حقوق بشری را نقض می‌کنند، به طور جدی به مبارزه طلبیده‌اند.

در وضعیت کنونی به یمن همین رسانه‌ها، افراد در کشورهای مختلف، ارزشهای فراملی مذکور را معیار عملکرد حکومتها قرار داده و نقض این ارزشها که به تدریج به اصول جهان‌شمول تبدیل می‌شوند را نمی‌پذیرند. از سوی دیگر، جامعه بین‌المللی - البته با انگیزه‌های متفاوت - به این اعتراضها با روشهای مختلفی چون تحریم دولتهای مذکور پاسخ می‌دهد. در این جا باید میان ارزشهای مشترک بشری و روایت‌های آن، تفاوت قایل شد. برای نمونه آنچه که غرب از حقوق

بشر ارائه می‌دهد، روایت غربی حقوق بشر است نه همه آن. البته در همین جا باید افزود که تسلط این دسته از کشورها بر رسانه‌های نوین ارتباطی عاملی در جهت اعمال روایت آنان از این ارزشها به شمار می‌رود و از همین رو این وسایل برای آنان، ابزار تسهیل اعمال حاکمیت و مضیق‌کننده حاکمیت دیگر کشورها می‌شود. در هر حال برخی ارزشهای مشترک بشری مانند حفظ محیط زیست روایت‌پذیر نیستند. با افزایش آگاهی انسان از طریق همین فن‌آوری‌های ارتباطی حاکمیت در معنای عام آن در همه کشورها متحول می‌گردد.

پدیده خشونت در شرایط جدید جهانی از جانب هر شخص و یا هر گروهی، توجه‌ناپذیر است و بشریت نفی آن را یک ارزش برای خود می‌داند. فن‌آوری‌های نوین ارتباطی با تمرکز بر صحنه‌های خشونت‌بار، آن را به راحتی در معرض دید جهانیان می‌گذارند و عکس‌العمل آنها را بر می‌انگیزند.

### حاکمیت ایران و وضعیت جدید

مباحثی که تحت عنوان "تهاجم فرهنگی"، در چند سال گذشته در ایران طرح شده است، به نوعی تأثیر فن‌آوری‌های نوین ارتباطی بر عرصه فرهنگ و حاکمیت ایران را می‌نمایاند؛ اما این مسأله را باید با دیدی همه‌جانبه‌نگریست و در دام نگرشهای جناحی و سوءاستفاده داخلی از آنکه، متأسفانه طی سالیان گذشته موجب لطمه به منافع ملی شده است، گرفتار نیامد.

اولین نکته‌ای که باید در وضعیت جدید به آن اشاره کرد، شناخت است. می‌بایست قبل از هرگونه موضع‌گیری، انقلاب جدید جهانی را در همه ابعاد آن شناخت و نگرش سیاه و سفید در مورد آن را به کناری نهاد. به نظر می‌رسد هم اکنون دو نوع نگرش در ایران نسبت به فن‌آوری‌های نوین ارتباطی وجود دارد. نگرشی که مبتنی بر نظریه توطئه است و ماهواره و اینترنت را صرفاً "بد" می‌بیند و آن را ابزاری برای براندازی نظام به شمار می‌آورد. طبیعتاً راه‌حلی که این گروه ارائه می‌دهد، عدم استفاده از این وسایل و بستن چشم و گوش مردم است. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، وسایل جدید ارتباطی از ویژگی‌هایی برخوردارند که نمی‌توان با چنین نگرشی بر سر راه ورود آنها مانع آفرید. اگر در دوره ناصرالدين شاه این امکان وجود داشت که به مأمورین دروازه‌های کشور دستور داد تا از عبور روزنامه "قانون" جلوگیری کنند، اینک امواج ماهواره تا

کنج خانه‌های شهروندان رسوخ می‌کند. تارهای شبکه اینترنت بدون هیچ‌گونه محدودیت پذیری در کوتاهترین زمان، اندیشه افراد را به آن سوی مرزها منتقل می‌سازد. شاید امروز بتوان با وضع قوانینی، کسانی را که از ماهواره استفاده می‌کنند، جریمه کرد، اما فن آوری ماهواره در آینده‌ای نه چندان دور، همان‌گونه که اکنون نیز ممکن شده است، هرگونه نیاز به خط تلفن و انواع دیش‌ها را از میان بر می‌دارد و کاربران، مستقیماً قادر خواهند بود از طریق برق سراسری به آن وصل شوند. نگرش دوم، دیدگاهی روزآمد و گزینشی دارد و معتقد است، ماهواره نه مطلقاً خوب است و نه مطلقاً بد. این نگرش استفاده بهینه از علوم، فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها را، براساس اصل دوم قانون اساسی برای تطبیق و سازگاری نظام جمهوری اسلامی با محیط بسیار متحول بین‌المللی لازم می‌داند. این نگرش معتقد است که در دنیای جدید، قدرت رقابت در بخش سخت افزار وجود ندارد؛ از همین رو می‌توان با تکیه بر بخش نرم افزار تمدن (فرهنگ) از بزرگراه‌های اطلاعاتی جهان استفاده کرد. حقیقت نیز همین است. پس، باید با تکیه بر فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی وارد عرصه رقابتها شد. زمانی می‌توان آینده نظام اسلامی را بیمه کرد که با دیدگاه‌های منطقی، با واقعیات جدید روبه‌رو شد؛ زیرا در غیر این صورت، نسل جوان و آینده ایران یا بی قید و شرط به دنیای جدید تسلیم خواهد شد و یا در برابر آن سردرگم خواهد می‌ماند.

### نتیجه‌گیری

در ابتدای مقاله مطرح کردیم که حاکمیت دارای دو بعد داخلی و بیرونی است. منظور از حاکمیت داخلی، صلاحیت حقوقی دولتهای ملی در وضع و اجرای قوانین در قلمرو سرزمینی است و حالت بیرونی نیز، معنای استقلال دولتهای ملی و یا عدم تبعیت آنها از اقتدار واحدهای سیاسی دیگر را می‌رساند. اگرچه پیشرفت سریع فن آوری‌های ارتباطی این دو جنبه حاکمیت را کاملاً از بین نبرده، اما واحدهای سیاسی را در وضعیت بسیار جدیدی قرار داده است. فن آوری‌های نوین ارتباطی در بعد فرهنگی، کانالهای بسیار عمیقی در محیط بین‌المللی ایجاد کرده‌اند. کشورهایی که از توان بالای صدور محصولات فرهنگی برخوردارند و قادرند میان داده‌ها و نهادهای نظام سیاسی خود، با محیط خارجی تعادل مثبت پدید آورند، حاکمیت خود را در وضعیت جدید و متحول جهانی تأمین می‌کنند، و کشورهایی که قادر نباشند در چرخه این



نظام میان داده‌ها و نهاد‌های خود تعادل برقرار کنند، به سوء کارکرد دچار می‌آیند و حاکمیت آنها تضعیف می‌شود.

به عبارت بهتر، فن‌آوری‌های نوین ارتباطی بستر مساعدی برای ارتباط میان فرهنگها ایجاد کرده است. از ویژگی‌های مهم این بستر، سرعت انتقال محصولات فرهنگی و تأثیرگذاری تدریجی آنهاست. اگر در گذشته‌های دور، ادویه و منسوجات میان کشورها به‌کندی مبادله می‌شد و در دهه‌های قبل رادیوها به تنهایی عامل انتقال و مبادله فرهنگ بودند، امروزه امواج ماهواره در کوتاهترین زمان در ابعاد صوت و تصویر و غیره محصولات فرهنگی را میان کشورهایی که زمانی در زیر لایه سخت حاکمیت خود پنهان کرده بودند، ارسال می‌کنند. در این بازار جهانی که قانون رقابت اقتصادی و عرضه و تقاضا حاکم شده، کالاهای فرهنگی نیز مشمول این قانون شده‌اند. کشورهایی که از زیر ساختهای غنی برخوردارند، با شناسایی وضعیت جدید، پای در این میدان رقابت گذاشته‌اند. آنان خود را روزآمد می‌دانند و با عرضه محصولات فرهنگی بر بازار تسلط می‌یابند. این کشورها بر خلاف گذشته که با هزینه فراوان بر دیگر کشورها تأثیر می‌گذاشتند به راحتی و در کوتاهترین مدت قادرند حاکمیت دیگر کشورها را محدود نمایند و به همان اندازه راه اعمال حاکمیت خویش را در بُعد بین‌المللی هموارتر نمایند.

از سوی دیگر با تغذیه مناسب تقاضاهای داخلی و نیز آماده کردن مردم برای بهره‌گیری مناسب از محصولات فرهنگی دیگران می‌توان حاکمیت را در بُعد داخلی تقویت نمود. در آن سوی قضیه کشورهایی هستند که به درجات مختلف، دنیای جدید ارتباطی و آثار آن را درک نکرده و به علت ضعف‌های ساختاری و مدیریتی بازنده این میدان شدند.

نکته دیگر، در مورد مفهوم حاکمیت در شرایط جدید، تحول حاکمیت و نه حذف مطلق آن است. فن‌آوری‌های نوین ارتباطی به حاکمیت مفهومی جدید نسبت به آنچه که در طول سیصد سال گذشته وجود داشته، بخشیده‌اند.

## منابع و یادداشت‌ها:

- ۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، رجوع کنید به:
- ناصر پورحسن، *انقلاب ارتباطات و تحول مفهوم حاکمیت*، رساله کارشناسی ارشد علوم سیاسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۶.
- ۲- حمید مولانا، "بزرگراه‌های اطلاعاتی و آینده ارتباطات"، رسانه، سال پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۳، ص ۲.
- ۳- فیبرنوری در سال ۱۸۷۷ توسط بویز (C. V. Boys) با رها کردن شیشه گذاخته از طریق کمان به وجود آمد. این هادی امروزه موجب شده است تا پیام مستقیماً به جای انتقال جریان برق در سیم‌های مسی قدیمی، از طریق نور منتقل شود و هم‌اکنون از فن‌آوری‌های مهم اطلاعاتی است.
- ۴- Modem، موشواره یا موس، وسیله‌ای است که داده‌های کامپیوتری را به صورتی تبدیل می‌کند که قابلیت انتقال از سیم‌های معمولی تلفن را داشته باشند و علائم وارده از سیم تلفن را برای رایانه قابل فهم می‌کند.
- ۵- نیت فالک، *اینترنت*، ترجمه مجید سماوی، تهران، چرتکه، ۱۳۷۴، صص ۳۲-۱۶.
- ۶- و. ت. جونز، *خداوندان اندیشه سیاسی*، ترجمه علی رامین، پنج جلد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، جلد دوم، ص ۶۵.
- 7- *Encyclopedia of Public International Law*, Vol. 10, P. 408.
- 8- R. P. Anand, *Sovereignty of States in an Interdependent World*, Collected Courses of the Hague Academy of International Law, 1986, P. 37.
- ۹- هانس. جی. مورگنتا، *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳، ص ۵۱۴.
- 10- Julius Gold, *A Dictionary of the Social Sciences*, New York, The Free Press, 1967, P. 686.
- 11- Roymond Gettle, *History of Political Thought*, New York, Ginn and Co, 1942, P. 123.
- ۱۲- حسن ارسنجانی، *حاکمیت دولت‌ها*، تهران، انتشارات کتب جیبی، ۱۳۴۲، صص ۲-۲۵۱.

13- James N. Rosenau, *Turbulence in World Politics: A Theory of Change and Continuity*, Princeton, Princeton University Press, 1990, P. 160.

۱۴- برای نمونه رجوع کنید به:

- Anthony Smith, *The Ethnic Origins of Nations*, Oxford, Basil Blackwell, 1986.

۱۵- والتین، پتر واکسل، کارین، "درگیریهای مسلحانه پس از جنگ سرد"، ترجمه سمیده لطفیان، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال هشتم، شماره ۸۱-۸۲، خرداد و تیر ۱۳۷۳، صص ۴۴-۴۲.

۱۶- همان، ص ۴۴.

۱۷- الوین تافلر، *موج سوم*، ترجمه شهین‌دخت خوارزمی، تهران، مترجم، ۱۳۷۱، ص ۴۳۸.

۱۸- سال ۱۹۹۰، "امیلیانو زاپاتا" بر سر مسائلی که امروزه نیز مطرح است، با یاری دهقانان قیام کرد اما جز اندکی افراد آن محدوده، کسی متوجه آن قیام نشد. در ژانویه ۱۹۹۴، همان مردم، در همان مکان با همان خواسته‌ها و با همان نام قیام کردند و این بار جهان از طریق رسانه‌های جدید ارتباطی در جریان جزئیات و چگونگی آن قیام قرار گرفت.

19- Mathous, T. Jessica, "Power shift", *Foreign Affairs*, Vol. 79, No. 1, Jun-Feb 1997, P. 54.

۲۰- پطروس غالی، دبیر کل سابق سازمان ملل، چنین منازعاتی را Orphan Conflicts می‌نامد. "آرفن" در لغت، به معنی یتیم است. اما در این جا، به معنای منازعات فراموش شده‌ای است که جامعه جهانی به آنها توجه نمی‌کند. رجوع کنید به:

Boutros Ghali, "Global Leadership After the Cold War", *Foreign Affairs*, Vol. 75, No. 2, march-April 1990, P. 90.

۲۱- مارسل مرل، "نقش عوامل فرهنگی در روابط بین‌الملل"، ترجمه احمد نقیب زاده، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال دهم، شماره ۱۰۰-۹۹، آذر و دی ۱۳۷۴، ص ۳۸.

۲۲- هری مگداف، امپریالیسم، ترجمه و اقتباس هوشنگ مقتدر، تهران، کویر ۱۳۷۰، صص ۷۹-۷۸.

23- Johan Galtung, "A Structural Theory of Imperialism Ten Years Later", *Millennium: Journal of International Studies*, Vol. 9, No. 3, 1981, PP.184-186.

۲۴- ویلیام جیمز استور، تکنولوژی اطلاعات در جهان سوم، مترجمان رضا نجف بیگی و اصغر طرفی زاده، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۵، صص ۸۲-۸۰.

25- Mort Rosenblum, "Reporting Form the Third World", *Foreign Affairs*, Vol. 55, No. 4, July 1977, P. 816.

۲۶- محمود سریع القلم، "جهان تک گره‌ای"، همشهری، شماره ۲۲۶۸، ۲۵ آبان ۱۳۷۹، ص ۶.

27- Joseph S. Nye, "What New World Order?", *Foreign Affairs*, Vol. 71, N. 2, 1992, P. 85.

28- George F. Kennan, *Democracy and the Student Left*, Boston, Mass, Little Brownand Company, 1981, P. 231.

29- *Ibid*, P. 216.

30- *Time*, July, 1997.

۳۱- ویلیام جیمز استور، همان، ص ۸۴.

۳۲- سن مک براید، یک جهان، چندین صدا، ترجمه ایرج یاد، تهران، سروش، ۱۳۷۵، ص ۲۴.